



۸ ماهه که از ۳ ماه بعد از بازداشت در کانون ۱۷ ساله شدم.

حالا در کانون اصلاح و تربیت چکار می‌کنی؟

درس می‌خوانم.

پشیمان نیستی؟

خیلی پشیمانم. اشتباه کردم که سر قرار رفتم. اصلاً فکر نمی‌کردم دعوا بالا بگیرد و کار به اینجا کشیده شود. من فکر می‌کردم فقط در قیلم‌ها اتفاق می‌افتد. من آینده خودم و خانواده‌ام را به خاطر یک اشتباه تپاه کردم.

پدر و مادرت حالا چکار می‌کنند؟

آنها برای جلب رضایت خیلی تلاش کرده‌اند. مادرم هر بار به دیدنم می‌آید فقط گریه می‌کند. من شرمندۀ پدر و مادر خودم و پدر و مادر دانیال هستم.

خیلی ترسیده بودم. با گریه به سمت خانه رفتم. از ترسم چاقوی خونین را در سطل زباله در حوالی میدان امام حسین انداختم.

به خانواده‌ات چه گفتی؟

با گریه ماجرا را به پدرم گفتم. پدرم شوکه شده بود. از من خواست خودم را به پلیس معرفی کنم. من هم قبول کردم. می‌خواستیم همراهِ هم به کلانتری برویم که مأموران پلیس اطلاعاتم را از شاهدان گرفته بودند و مقابل خانه‌مان آمدند.

از قبل با قربانی اختلاف داشتی؟

نه، ما با هم هیچ اختلافی نداشتیم. او به من زنگ زده بود و با قلندری پول زور می‌خواست. می‌گفت من پشت سرش حرف زده‌ام، اما اصلاً اینطور نبود.

چه مدت در کانون اصلاح و تربیت هستی؟

خانواده مقتول قصاص می‌خواهند؛

من ۱۶ ساله چگونه قاتل شدم؟

رسم حمله کرد و رسم هنگام فرار با چاقویی که در دست داشت، ضربه‌ای به شکم دانیال زد.

اعتراف پسر نوجوان به درگیری خونین

رسم در بازجویی‌ها به قتل اعتراف کرد و گفت: من و دانیال با هم دوست بودیم و او را از قبل می‌شناختم. آن روز فکر می‌کنم دانیال حال طبیعی نداشت و مشروب خورده بود که با من تماس گرفت و از من خواست تا به حسابش پول واریز کنم، اما به حرف او توجهی نکردم و گوشی موبایلم را قطع کردم. ولی او پشت سرهم زنگ می‌زد و می‌گفت چون پشت سرم حرف‌های نامربوط زده‌ای باید حسابم را شارژ کنی. به او گفتم اشتباه می‌کند و من حرفی پشت سر او نزده‌ام اما گوشش بدهکار نبود.

وی افزود: در تماس آخر از من خواست تا سر خیابان بروم، من هم رفتم آنجا، دیدم دانیال و دوستش منتظم ایستاده‌اند. او بلافاصله به سمت من حمله‌ور شد و سیلی محکمی به صورتم زد. من عقب رفتم اما او شیشه دلستری را زیر پیراهنش بیرون آورد و آن را به کنار جدول زد و شکست و می‌خواست با شیشه شکسته به من حمله کند. وی ادامه داد: من از قبل برای دفاع از خودم کارد آشپزخانه‌ها را همراه برده بودم، وقتی دانیال با شیشه به سمت من حمله‌ور شد چاقو را به سمتش گرفتم تا او بترسد اما چاقو ناخواسته با قلب او برخورد کرد. من که ترسیده بودم بلافاصله به خانه برگشتم و موضوع را به پدرم گفتم. پدرم از من خواست خودم را به پلیس تحویل دهم که همان موقع مأموران پلیس رسیدند و من بازداشت شدم.

وی در حالی که سرش را پایین انداخته بود و اشک می‌ریخت،

گروه حوادث - ۱۶ ساله بود که دستانتش بوی خون گرفت! مادر هر وقت به دیدارش می‌رود با همه وجودش گریه می‌کند! آن روز شوم و آن تماس تلفنی کافی بود تا در این سن و سال کم مهر قاتل بر پیشانی‌اش بنزد.

ساعت ۵ عصر ۱۳ مهر ماه ۱۴۰۱ به مأموران پلیس خبر رسید، درگیری چند پسر نوجوان در پارک ارتش به خون کشیده شده و پسر ۱۷ ساله‌ای به نام دانیال از ناحیه سینه چاقو خورده و به بیمارستان امام حسین منتقل شده است. مأموران پلیس برای تحقیق به پارک ارتش رفتند و به تحقیق میدانی پرداختند که در بررسی‌ها روشن شد، دانیال در درگیری با پسر ۱۶ ساله‌ای به نام رسم زخمی شده است.

در حالی که ردیابی رسم آغاز شده بود از بیمارستان خبر رسید، دانیال به خاطر شدت خونریزی و پارگی قلب جان سپرده است. با مرگ پسر نوجوان، رسم در خانه پدری‌اش ردیابی و بازداشت شد و پلیس به تحقیق از شاهدان پرداخت.

دوست دانیال که شاهد درگیری خونین بود، گفت: امروز من و دانیال داخل پارک بودیم. او از من خواست به خیابان برویم و سیگار بخوریم. ما مقابل مغازه رفته بودیم تا سیگار بخوریم که با رسم روبه‌رو شدیم. فکر می‌کنم دانیال و رسم از قبل با هم درگیر بودند، چون به محض روبه‌رو شدن با هم ناگهان دانیال جلورفت و سیلی‌ای به صورت رسم زد و باو فحش داد. آنها با هم درگیر شدند و رسم چاقویی را از جیبش بیرون آورد و یک ضربه به سینه دانیال زد و گریخت. شاهد دیگر گفت: من دانیال را دیدم که با شیشه شکسته به سمت

این زن در کارهای کثیف شوهرش نقش داشت؛

راز خانه‌ای که مشتری داخلش می‌رفت!



مصرف کردیم.

بعد از این ماجرا بود که دیگر ریودن مواد مخدر از پدرم به یک عادت تبدیل شد و این گونه در مسیر اعتیاد و به همین دلیل دیگر نتوانستم ادامه تحصیل بدهم تا این که پدرم بر اثر افراط در مصرف مواد مخدر و سیگار دچار بیماری رویی شد و جان خود را از دست داد.

من هم که به شغل بنایی ساختمان روی آورده بودم بعد از ازدواج راهی مشهد شدم تا در این جاسر کار بروم، ولی در آمد کم کفاف هزینه‌های اعتیاد مرا نمی‌داد این بود که به خرده‌فروشی مواد مخدر روی آوردم و در مدت کوتاهی توسط پلیس دستگیر و راهی زندان شدم، اما چون سابقه کیفری نداشتم بعد از چند ماه مورد عفو قرار گرفتم و آزاد شدم.

با وجود این باز هم سراغ مواد مخدر رفتم و اعتیاد مرا از سر گرفتم. این بار هم به اتفاق همسرم مشغول بسته‌بندی مواد مخدر بودیم که ناگهان نیروهای انتظامی وارد منزل شش‌دند و مراد حالی دستگیر کردند که مقداری مواد مخدر در کف اتاق قرار داشت، اما من آن‌ها را برای مصرف خودم بسته‌بندی کرده بودم و قصد فروش نداشتم. گزارش اختصاصی روزنامه خراسان حاکی است مأموران انتظامی در پی کسب اخباری از منابع مردمی مبنی بر فروش مواد مخدر در

گروه حوادث - اگر چه مواد مخدر در صورت گرمی بسته‌بندی کرده‌ام، اما قصد فروش آن‌ها را نداشتم چون خودم از سال‌ها قبل اعتیاد دارم و مواد مخدر کشف شده را برای مصرف خودم نگهداری می‌کردم...

این‌ها بخشی از اظهارات مرد ۴۰ ساله‌ای است که در عملیات نیروهای دایره ستاد مبارزه با مواد مخدر کلانتری طبرسی شمالی مشهد دستگیر شده است.

این مرد جوان که برای انجام بازرجویی‌های تخصصی به مقر انتظامی انتقال یافته بود، درباره سرگذشت خود نیز به مشاور و مددکار بازگشت خیلی وسوسه شدم که بفهمم این چمنوع‌ماده‌ای است که پدرم مصرف می‌کند! کنج‌کاری مانند خوره به‌جانم افتاده بود تا این خیلی از اهالی روستا مواد مخدر سنتی مصرف می‌کرد.

او یک روز برای اولین بار برای خرید مواد مخدر به منزل قاجاق فروش روستا فرستاد تا مقداری تریاک بپوشد، اما در مسیر بازگشت خیلی وسوسه شدم که بفهمم این چمنوع‌ماده‌ای است که پدرم مصرف می‌کند! کنج‌کاری مانند خوره به‌جانم افتاده بود تا این که بالاخره پلاستیک مواد مخدر را باز کردم و کمی از آن را برباشتم. اگر چه همین موضوع به دلخوری و کلاهی پدرم تبدیل شد؛ چراکه او فکر می‌کرد فروشنده مواد مخدر کم فروشی کرده است! بالاخره آن روز سراغ یکی از دوستانم رفتم و به‌طور پنهانی مواد مخدر را

تلفن ۴۴۴۲۴۹۹۹ - ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶) سایت: www.eghtesad-kish.ir

نیازمندیهای روزانه جزیره کیش

رهن و اجاره

رهن و اجاره آپارتمان

دو خوابه ۱۰۰ متری با ۱۴۰ متر ترانس مرکز شهر ۰۹۱۲۱۰۱۸۹۲۴

تأسیسات منزل

تعمیرات و تأسیسات

منزل - لوازم آشپزخانه

آب - برق

۰۹۱۷۹۷۵۷۲۳۰ خاکساری

لوازم یدکی

تهیه لوازم یدکی خودرو

شما در سریعترین زمان

۰۹۱۱۲۱۱۱۸۲۸

جعفری

تهیه قطعات اصلی یدکی

خودروهای سبک و سنگین

تحويل حداکثر ۴۸ ساعت

۰۹۳۷۵۶۳۲۷۰۲

نیازمندیهای

اقتصاد کیش

۴۴۴۲۴۹۹۹

۴۴۴۲۳۹۱۰

تعمیرات کولر

تعمیرات کولر - اسپیلت

۰۹۳۹۱۴۹۵۵۱۸

جاسم کریمی

فوری - مطمئن

آگهی تصمیمات طرح و اندیشه نیارش کیش (سهامی خاص)

ثبت شده به شماره ۱۰۵۵۸ و شناسه ملی ۱۴۰۰۳۶۲۸۶۶۵ به استناد صورتجلسات مجمع عمومی عادی سالیانه و هیئت مدیره مورخ ۱۴۰۲/۰۳/۰۱ تصمیمات ذیل اتخاذ گردید:

(۱) آقای سهیل منصوری با کد ملی ۰۰۷۹۵۵۱۴۰۸، خانم زهرا مظفری با کد ملی ۳۳۹۲۵۸۰۳۴۱، خانم زینب منصوری با کد ملی ۰۰۱۲۱۹۹۶۳۱ به سمت اعضای هیئت مدیره برای مدت دو سال انتخاب شدند.

(۲) به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مذکور: آقای سهیل منصوری با کد ملی ۰۰۷۹۵۵۱۴۰۸ به سمت مدیرعامل و عضو هیئت مدیره، خانم زهرا مظفری با کد ملی ۳۳۹۲۵۸۰۳۴۱ به سمت رئیس هیئت مدیره، خانم زینب منصوری با کد ملی ۰۰۱۲۱۹۹۶۳۱ به سمت نایب رئیس هیئت مدیره برای مدت دو سال انتخاب شدند.

(۳) کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور بانکی از قبیل چک، سفته، بروات و عقود اسلامی و سایر اوراق عادی و اداری با امضای مدیرعامل و مهر شرکت معتبر می‌باشد.

(۴) آقای ایوب میرزائیان با کد ملی ۳۳۲۰۰۱۷۵۵۱ بعنوان بازرس اصلی و آقای علی بختیاری با کد ملی ۵۸۶۹۷۲۳۶۷ بعنوان بازرس علی البدل برای مدت یکسال مالی انتخاب شدند.

(۵) روزنامه کثیرالانتشار اقتصاد کیش جهت درج آگهی‌های شرکت انتخاب گردید. **شیمافرج زاده - سرپرست اداری ثبت شرکتها و مالکیتبهای صنعتی و معنوی منطقه آزاد کیش**

مفقودی

اصل پلاک موتور شارژی مدل

وسپا کلاسیک رنگ آبی به

شماره پلاک ۱۷۴۴۳ شماره

بدنه ۰۲۹۷۵ شماره شاسی

LPPDEYZF2M1B02975

به نام نیلوفر احمدی مفقود گردیده

است و از درجه اعتبار

ساقط می‌باشد.

حمل بار

حمل و جابجایی کالا

با ۶ چرخ در سطح جزیره

۰۹۳۴۷۶۹۴۷۲۰

کلیه سفارشات

MDF، چوبی

تلفن: ۷۷۹۸۲۵۲

دکوراسیون غرفه و منزل

صنایع چوب

حلاج کیش